

# خزوه لغات، املا و تاریخ ادبیات سال یازدهم

## درس چهاردهم : حمله حیدری

### لغات

آوردگاه : میدان جنگ ، نبردگاه	ژنده: بزرگ، عظیم
آبرش : اسبی که دارای پوست خال دار یا رنگ به رنگ ( به ویژه سرخ و سفید ) است. در اینجا مطلق اسب منظور است	ژیان: خشمناک ، خشمگین
امتناع: سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی ، خودداری کردن	سهم: ترس
برافراختن: برافراشتن، بلند کردن	سهمگین: هراس انگیز، ترس آور
پور: فرزند مذکر ، پسر	ضرب: زدن، کوفتن
تپیدن: بی قراری و اضطراب نمودن، لرزیدن از ترس	غزا: پیکار، جنگ
حبیب: دوستدار، یار، القاب رسول اکرم (ص)	غضنفر: شیر
حرب: آلت حرب و نزاع؛ مانند شمشیر، خنجر، نیزه و...	قبا: نوعی جامهٔ جلوباز که دو طرف آن با دکمه بسته می شود.
خدو: آب دهان، بزاق	کیش: آیین، دین، مذهب
دستوری: رخصت، اجازه دادن	کیمیا: ماده ای فرضی که به گمان پیشینیان ، فلزاتی مانند مس و قلع را به طلا و نقره تبدیل می کند
رزمگه: مخفف رزمگاه، میدان جنگ	منزه: پاک و بی عیب
	هژبر: شیر

### املا

عمرو - برانگیخت - رزمگه - باستاد - همرزم - حبیب - هوس - طالب - بهر رخصت - دستور - اعلام - آمادگی - امتناع - بهانه - هژبر ژیان - صلح - سهم - برافراخت - شیراله - علم کرد - بخایید - شاهد - آوردگاه - زره - لخت لخت - قبا - ماهر - آداب ضرب - حرب - غضنفر - وصی - نهنگ - زهرچشم - خصم - کوفت - دریغ - تپیدند - بت خانه - غضنفر - غلتید - ژنده فیل - جبرئیل - باذل مشهدی - اخلاص - منزه - دَعَل - غزا - کاهل - حیران - عفو - وطن - گوهر - فرزانیگی - میهن - عزت - ذره - آغشته